



شماره ثبت: ۲۷۴۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	کذب
۲.....	خلف وعده
۲.....	آیه چهارم
۲.....	نکات آیه:
۲.....	۱. ظهور آیه در حرمت
۲.....	۲. محدوده توییح آیه
۳.....	۳. محدوده آیه در استحباب
۳.....	۴. موضوع و متعلق حرمت
۴.....	عوامل تشدید عقاب و مسئولیت
۴.....	جمع بندی
۴.....	۵. منظور آیه از قول



کذب

خلف وعده

آیه چهارم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۱

از این آیه برای حرمت خلف وعده استفاده می‌شود.

نکات آیه:

نکات و جهات موجود در آیه به شرح زیر است:

۱. ظهور آیه در حرمت

این آیه با یک سؤال توییحی شروع می‌شود. سؤال حقیقی نیست. سؤال به داعی توییح است. در قرآن سؤالات توییحی زیاد استفاده شده است. در روایات نیز چنین سؤالات توییحی وجود دارد. این سؤالات توییحی، ظهور در حرمت دارد. توییح علی الاطلاق، ظهور در حرمت دارد و حکم الزامی را افاده می‌کند. به خصوص در ذیل آیه جمله‌ی دیگری آمده است که می‌گوید عذاب این کار، بالا است. اگر نگوییم معصیت کبیره است، قطعاً ظهور در معصیت دارد.

۲. محدوده توییح آیه

نکته دوم این است که آیا آیه اختصاص به احکام و معارف الزامی دارد؟

ممکن است شخصی را به خاطر امر به معروف، به امری وادار کند که خودش هم مخاطب آن است. درحالی که خودش این کار را انجام نمی‌دهد، مثلاً می‌گوید نماز بخوان، درحالی که خودش نماز نمی‌خواند. این حکم الزامی منجز مبتلاً به منجز است که مشترک بین قائل و مستمع است. این یک مصداق است. و سؤال این است که آیه احکامی که مورد ابتلای او نیست را شامل می‌شود یا حتی احکام استحباب و کراهت را شامل می‌شود؟ در نتیجه می‌خواهیم ببینیم محدوده‌ی خطاب آیه چقدر است؟

^۱سوره صف، آیات ۲ و ۳.



شماره ثبت: ۲۷۴۵

در این سؤال نباید تردید کنیم. زیرا قراین لبیه‌ای وجود دارد که این آیه مربوط به جایی است که تکلیفی مشترک و الزامی است و منجر برای اوست. این تکالیفی که شخص مبتلای آن است، مدنظر است. وگرنه اگر امری را می‌کند که مورد ابتلای خودش نیست، مد نظر آیه نیست. مناسبات حکم و موضوع این موارد را نمی‌گیرد. مثلاً یک روحانی تاجری را برای رفتارهای اقتصادی‌اش ارشاد می‌کند.

مناسبات حکم و موضوع نشان می‌دهد که احکامی را آیه بیان می‌کند که خود شخص مبتلا به آن است و تکلیف برای آن تنجز دارد. در نتیجه آیه مربوط به احکام است که مشترک بین قائل و مخاطب است.

۳. محدوده آیه در استحباب

نکته سوم این است که آیا آیه احکام استحبابی را نیز شامل می‌شود؟

مناسبات حکم و موضوع و عقل دلالت بر این امر می‌کند که الزامی در غیر الزامیات نیست. در نهایت تنها کراهت را می‌توانیم در احکام استحبابی استخراج کنیم.

۴. موضوع و متعلق حرمت

موضوع و متعلق حرمت در آیه چیست؟

در اینجا وجوهی دارد:

۱. ظاهر آیه را بگیریم. قول به غیر از علم را تحریم می‌کند. چیزی که عمل نمی‌کنید، حرام است. موضوع و متعلق این حرمت، قول به غیر عمل است. البته با قیودی که در بالا ذکر کردیم.

۲. احتمال دوم این است که منظور آیه چیز دیگری است.

وقتی کسی حکم را نمی‌داند، بر ما واجب است که او را ارشاد کنیم. مثلاً شخص مستطیع است ولی نمی‌داند که باید به حج برود. قطعاً ما او را باید ارشاد کنیم. اگر بداند و عمداً ترک کند، ما باید امر به معروف کنیم. مسلماً این موارد نیز در آیه وجود دارد. در اینجا منظور آیه این نیست که ارشاد یا امر نکنید، چون خودتان عمل نمی‌کنید. در این صورت، ارشاد، امر به معروف و امثال این، واجبات مشروطه هستند. مشروط به این هستند که خودت عمل کنی.



شماره ثبت: ۲۷۴۵

در نتیجه احتمال اول، غیرقابل قبول است. این آیه کنایه از این است که در جایی که کسی امر به معروف و نهی از منکر می کند، تأکید دارد که عمل کند. ترک عمل، همه جا حرام است ولی از کسی که خودش نهی از ترک و یا امر به معروف می کند، بسیار قبیح است. این آیه قول به غیر عمل را حرام نمی داند. این آیه می گوید که ترک انسانی که خودش موعظه می کند، از انسان معمولی، زشت تر و قبیح تر است.

شرط امر به معروف و نهی از منکر نیز عمل کردن خود شخص نیست. درست است که به خاطر عمل نکردن، شخص توبیخ می شود ولی شرط امر به معروف نیست.

با دقت به بیان بالا، متوجه شدیم که مسئولیت و عقاب در جایی که شخص امر می کند اما خودش انجام نمی دهد، چند برابر است.

عوامل تشدید عقاب و مسئولیت

۱. علم

۲. کسی که آمر بشود، ترک عقابش بسیار شدید است.

جمع بندی

قطعاً منظور از آیه، همین کنایه است و توجهی به تشدد عقاب برای شخص آمر ندارد. این را در بحث دیگری نیز آوردیم. کسانی که به علمشان عمل نمی کنند، توبیخ شدند. در آن آیات نیز همین مطالب را اشاره کردیم. در آنجا نیز نمی گوید که اکنون که عمل نمی کنی، به دنبال علم نرو!

۵. منظور آیه از قول

قطعاً قول های اشاره، شفاهی، کتبی مشمول این آیه می شوند.